

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید،

درس 7 - آشنایی با متی

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیوید متیوسون است که تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۷، مقدمه ای بر متی را ارائه می دهد.

بسیار خوب، بیایید جلو برویم و برویم. خوش آمدید. کاری که امروز می خواهیم انجام دهیم این است که بالاخره شروع به ورود به متن خاص عهد جدید می کنیم و از ترتیب متعارف که از متی تا مکاشفه شروع می شود پیروی خواهیم کرد. ما از ترتیبی که آنها نوشته شده اند پیروی نمی کنیم، بلکه از ترتیبی که در عهد جدید آمده اند پیروی می کنیم.

بنابراین، امروز با نگاه کردن به متی شروع می کنیم، و قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، بیایید با دعا شروع کنیم.

ای پدر، ما در برابر تو ایستاده ایم تا به کلام تو گوش دهیم و آن را با ذهن خود تجزیه و تحلیل کنیم، دعا می کنم که خداوند ما همچنان بشنویم که تو از طریق آن با ما صحبت می کنی، و تشخیص دهیم که آنچه ما داریم سندی است که در پرتو زمینه تاریخی اصلی آن تولید شده و باید درک شود، در عین حال سندی که هنوز هم به عنوان کلام خدا برای مردم تو امروز عمل می کند. بنابراین، با در نظر گرفتن این موضوع، ما همه آنچه هستیم، توانایی های تفکر و توانایی های تحلیلی خود را به ارمغان می آوریم، اما همچنین می خواهیم متن را به عنوان حرف شما بشنویم. و من دعا می کنم که ما بتوانیم کمی از معنای آن امروز را درک کنیم. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، قبل از اینکه به انجیل های خاص و به ویژه انجیل متی نگاه کنیم، همانطور که گفتیم، مهم است که درک کنیم که در خواندن عهد جدید، پس زمینه اولیه، یا شاید بگوییم پیش زمینه، برای شنیدن و خواندن عهد جدید بدون شک عهد عتیق است. عهد جدید، علیرغم کلمه جدید، چیزی نیست که با عهد عتیق قطع شود، اما ما در اوایل ترم گفتیم که عهد جدید در رابطه با عهد قدیم قرار دارد، نه به عنوان چیزی برتر، نه به عنوان چیزی کاملاً جدید یا بی سابقه قبلی، بلکه در رابطه با عهد قدیم به عنوان وعده و تحقق قرار دارد.

عهد جدید را باید به عنوان اوج و تحقق داستانی که در عهد عتیق آغاز شده است در نظر گرفت. بنابراین، اینطور نیست که داستان عهد عتیق مسیر خود را طی کرد و تمام شد، و سپس خدا شروع به گفتن داستان جدیدی کرد که حول محور عیسی مسیح و کلیسا و رسولانش و غیره متمرکز بود، بلکه در عوض، عهد جدید به سادگی ادامه فصل آخر داستانی است که در عهد عتیق آغاز شد. بنابراین، مهم است که شاید فقط یک خلاصه بسیار بسیار دردناک از داستان داشته باشیم که من متقاعد شده ام که به ویژه متی هنگام نوشتن انجیل خود فرض می کرد.

بنابراین، آنها بر اساس عهد عتیق چه داستانی را برای خود تعریف می کردند؟ بخش اول داستان این است که اسرائیل هنوز به دلیل گناه در تبعید است. اگر از بررسی عهد عتیق خود به یاد داشته باشید، به دلیل گناه و بت پرستی، خدا به ملت ها، عمدتاً آشوری ها و بابلی ها، اجازه داد که وارد شوند و اسرائیل، قوم خدا، را بگیرند و آنها را به عنوان مجازات گناهانشان به تبعید ببرند. و اگرچه آنها به صورت فیزیکی به سرزمین بازگشتند، حداقل هنوز یهودیان زیادی بودند که خود را هنوز در تبعید می دانستند.

و این اکنون با تصاحب دوباره همه چیز توسط امپراتوری روم برجسته تر می شد. به یاد داشته باشید، هر چیزی که اکنون در عهد جدید می خوانیم در زمینه حکومت روم نوشته شده است. رومی ها بر همه چیز حکومت می کنند.

آنها قدرت جهانی هستند. و بنابراین بیشتر اسرائیلی ها داستانی بر اساس عهد عتیق برای خود تعریف می کردند که آنها هنوز در تبعید بودند و منتظر بودند تا به دلیل گناهان از آن رهایی یابند. بخش دوم داستان این است که اگرچه اسرائیل در تبعید است، اما خدا روزی به زودی مداخله خواهد کرد تا اوضاع را اصلاح کند، همه چیز را درست کند، قوم خود، اسرائیل را نجات دهد و آنها را آزاد کند.

به این معنا که خدا به وعده های خود عمل می کند، وعده هایی که مدت ها منتظرش بود به ابراهیم داد، وعده هایی که پیامبران از عهد عتیق تکرار کردند، همه اینها روزی محقق می شدند، زمانی که خدا برای اصلاح اوضاع مداخله کرد، نه تنها در میان اسرائیل بلکه در کل کیهان. و در نهایت، به این ترتیب، خدا نیز سرانجام نجات را برای کل جهان به ارمغان می آورد. بنابراین، از طریق احیای اسرائیل به عنوان قوم خدا بود که مطابق با وعده ای که خدا به ابراهیم داده بود، آنچه را که خدا به ابراهیم گفت، به یاد آورید، من تو را برکت خواهم داد و تو را برکت خواهم داد، و در نهایت تمام ملت های زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.

بنابراین، از طریق احیای اسرائیل، قوم خدا، نجات می تواند به تمام زمین گسترش یابد. و بنابراین، این داستانی بود که در انتظار تحقق بود. وجه مشترک هر چهار انجیل این است که آنها متوجه می شوند که نتیجه گیری این داستان و تحقق این داستان در زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح اتفاق می افتد.

بنابراین، بیایید با اولین انجیل شروع کنیم، انجیل یک مالیات گیر. بنابراین، اول از همه، نویسنده متی کیست؟ چیزی که می خواهیم در مورد تألیف متی بگویم به نوعی به هر چهار انجیل مربوط می شود، و آن این زمانی است که شما کتاب مقدس انگلیسی خود را باز می کنید و عناوین را پیدا می کنید، انجیل بر اساس متی و انجیل بر اساس مرقس، انجیل بر اساس لوقا، متی، مرقس و لوقا در ابتدا آن را ننوشته است. معمولا انجیل ها ناشناس بودند، یعنی یک روایت ناشناس بود.

شما نام شخصی را که آن را در جایی از متن می نویسند نداشتید، همانطور که در نامه های پولس که در آن خود را معرفی می کند، دارید. اما انجیل ها از نظر فنی ناشناس بودند. نام نویسنده در آنها ذکر نشده بود.

بنابراین آن عناوین، طبق نظر مرقس، طبق متی، انجیل از نظر یوحنا، و انجیل از نظر لوقا، در واقع بعدا توسط کلیسا اضافه شدند. همانطور که کلیسا این انجیل ها را گرد هم آورد و آنها را به عنوان کتاب مقدس، به عنوان قانون، یک کتاب مقدس متعارف شناخت، آنها این عناوین را به انجیل ها، متی، مرقس، لوقا و یوحنا نسبت دادند. با این حال، بدون پرداختن به جزئیات، این بدان معنا نیست که آنها غیرقابل اعتماد هستند.

دلیل بسیار خوبی برای اعتماد به این عناوین به عنوان شاخص های قابل اعتماد از نویسندگان وجود دارد. بیشتر این عناوین خیلی زود به انجیل ها پیوسته بودند. اینطور نیست که سی، چهار، پنج، ششصد سال بعد به هم متصل شوند.

آنها در واقع خیلی زود در برخی از اولین شواهدی که از پدران کلیسا داریم ضمیمه شده اند. آنها این انجیل را به متی یا انجیل را به مرقس نسبت می دهند. ما قبلا گفتیم که مرقس، سنت می گوید که مرقس به عنوان مفسر انجیل پطرس شناخته می شد.

و بنابراین، انجیل مرقس بازتابی از تعالیم پطرس و موعظه پطرس است. بنابراین، فقط می‌خواهم بدانید که عناوینی که در انجیل هایتان دارید توسط نویسندگان انجیل نوشته نشده‌اند. در عوض، آنها بعداً توسط کلیسا به انجیل نسبت داده شدند.

اما دلیل خوبی وجود دارد که آن‌ها را به عنوان گزارش‌های دقیق در مورد اینکه چه کسی انجیل‌ها را نوشت جدی بگیریم. متی، همانطور که از عنوان آن پیداست، متی، شما در واقع در مورد او در انجیل‌ها خواندید، متی یک خراجگیر بود که عیسی او را به عنوان یکی از شاگردانش و یکی از پیروانش فراخواند. حالا وقتی متی را می‌خوانیم، یکی از ویژگی‌های کلیدی متی، و من قصد ندارم در مورد این همه انجیل‌ها یا همه نوشته‌ها صحبت کنم.

من فقط به خاطر طرح کلی یک کتاب علاقه به طرح کلی نیستم. گاهی اوقات آنها به ما کمک می‌کنند تا به نوعی خلاصه‌ای از محتوای هر بخش داشته باشیم. اما نکته اصلی که برای من در مورد رؤس مطالب مفید است این است که آنها سرنخی در مورد ساختار و توسعه کتاب به شما می‌دهند.

طرح کلی در مورد نحوه کنار هم قرار گرفتن کتاب و نحوه توسعه آن چه می‌گوید؟ یکی از ویژگی‌های ساختاری کلیدی متی این است که متی، برخلاف سایر انجیل‌ها، و دوباره، کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم در حالی که چهار انجیل را مرور می‌کنیم، من عمدتاً علاقه مند به بررسی آنچه در مورد هر یک از انجیل‌ها متمایز و منحصر به فرد است، هستم. و منظورم این نیست که این تنها چیز مهم است، چیزی که منحصر به فرد است. اما یکی از راه‌های نگاه کردن به متی، مرقس، لوقا و یوحنا این است که روی آنچه دارند تمرکز کنیم که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند.

بنابراین، همانطور که از طریق متی کار می‌کنیم، می‌خواهیم بدانیم که متی شامل چه چیزی است که متمایز است یا اینکه او دارد که او تأکید می‌کند که در سه انجیل دیگر وجود ندارد یا حداقل به همان میزانی که متی انجام می‌دهد، وجود ندارد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد روشی است که متی انجیل خود را کنار هم قرار داده است. یعنی در طرح متی، متی مطالب خود را به گونه‌ای کنار هم قرار داده است که بر پنج گفتمان اصلی یا پنج بلوک اصلی تعالیم عیسی تأکید می‌کند.

و آنها به این شکل هستند. اولین بلوک گفتمان، اولین بخش اصلی، اگر یک کتاب مقدس با حروف قرمز داشته باشید، کل این بخش‌ها با حروف قرمز خواهد بود. من در حال حاضر در مورد آنچه در مورد افزودن حروف قرمز فکر می‌کنم صحبت نمی‌کنم.

بعداً می‌توانید از من بپرسید. اما اینها به معنای نشان دادن این واقعیت است که به نظر می‌رسد متی برخلاف سایر انجیل‌ها، به نظر می‌رسد که متی عیسی را به عنوان آموزش بلوک‌های طولانی سخنرانی در پنج مورد معرفی می‌کند. اولین موعظه برای شما نسبتاً شناخته شده است، موعظه روی کوه.

مورد دیگر در فصل 13 رشته‌ای طولانی از مثل‌هایی است که عیسی برای توضیح آنچه عیسی می‌آید و به ملکوت خدا تعلیم می‌دهد، آموزش داد، این به چه معناست؟ و اگر عیسی پادشاهی خدا را تعلیم می‌دهد، چرا رومی‌ها هستند، چرا سزار هنوز بر تخت سلطنت نشسته است؟ چرا رومی‌ها هنوز کنترل را در دست دارند؟ عیسی یک سری مثل می‌گوید که به این سوال پاسخ می‌دهد. و سپس برای پرش به آخرین مورد، آخرین و پنجمین مورد در فصل‌های 23 تا 25، آموزه عیسی در مورد آخر زمان است که مسیح باز خواهد گشت تا اسرائیل را داوری کند، ملت‌ها را داوری کند، پادشاهی خود را در چیزی که اغلب به عنوان گفتمان زیتون یا گفتمان فرجام‌شناختی شناخته می‌شود، برپا می‌کند. اما یک آموزش طولانی در مورد بازگشت عیسی برای داوری جهان و فراهم آوردن نجات برای پیروانش.

و یک سری مثل وجود دارد، احتمالاً مثل گوسفند و بز را می دانید. این مثل در این بلوک از آموزش رخ می دهد. بنابراین، متی مزده خود را بر اساس پنج بلوک آموزش تنظیم می کند.

و آنچه در پایان هر یک از این پنج نفر اتفاق می افتد، وقتی متی را می خوانید، چیزی که نشان می دهد متی عمداً این کار را انجام می دهد در پایان هر یک از این پنج بلوک گفتار است، متی با گفتن این جمله به پایان می رساند که وقتی عیسی این سخنان را تمام کرد، یا هنگامی که عیسی گفتن این چیزها را تمام کرد. و سپس متیو به بخش دیگری می پردازد و در نهایت یک گفتمان طولانی دیگر را شامل می شود. و سپس در پایان فصل ۱۰، وقتی عیسی گفتن این چیزها را تمام کرد.

و سپس یک بلوک دیگر از آموزش، یک بلوک دیگر از سخنرانی، و هنگامی که عیسی گفتن این چیزها را به پایان رساند. بنابراین، متی به وضوح قصد دارد عیسی را به عنوان تعلیم در پنج مورد در بلوک های نسبتاً طولانی سخنرانی ارائه دهد. پیشنهادات مختلفی در مورد چرایی آن وجود داشته است.

یک نفر گفت که این پنج بلوک از گفتمان نشان دهنده عیسی به عنوان آموزش یا ارائه یک قانون جدید مانند موسی است. پنج کتاب اول کتاب مقدس را به خاطر بسپارید، امیدوارم کلمه تورات را به یاد بیاورید، اصطلاحی که به پنج کتاب اول عهد عتیق، پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه اشاره دارد. برخی معتقدند که این پنج بلوک به منظور به تصویر کشیدن عیسی به عنوان یک آورده جدید شریعت مانند موسی است.

همانطور که ما پنج کتاب از موسی داریم، اکنون پنج آموزه از عیسی داریم. این احتمالاً کاملاً درست نیست. نمی دانم آیا متی سعی می کند عیسی را به عنوان یک ارائه دهنده جدید قانون جدید مانند موسی معرفی کند یا خیر.

من فکر می کنم او این کار را می کند، همانطور که خواهیم دید، او عیسی را به عنوان کسی مانند موسی معرفی می کند. اما حداقل، می توانیم بگوییم که متی قصد دارد عیسی را به عنوان یک معلم معرفی کند، به عنوان کسی که می آید تا با ارائه عیسی به عنوان تعلیم در این پنج بلوک از سخنرانی ها آموزش دهد و آموزش دهد. و دوباره، در یوحنا خواهید یافت، یحیی همچنین آموزه های طولانی عیسی دارد، اما هیچ یک از انجیل های دیگر در امتداد خطوط این پنج بلوک اصلی گفتمان، این آموزه های طولانی عیسی، ساختار یافته اند.

پس این یکی از ویژگی های کلیدی کتاب متی است. وقتی شروع به نگاه کردن به متن خود متی می کنیم، وقتی شروع به نگاه کردن به کتاب متی می کنیم، و بعداً به آن باز می گردیم و می پرسیم، چرا در دنیا متی این انجیل را نوشت؟ دوباره، آیا متی فقط یک روز نشست و تصمیم گرفت که باید زندگی مسیح را بنویسد یا چیزی که دانشجویان قرن بیست و یکم در کالج بتوانند در نظرسنجی عهد جدید مطالعه کنند، یا شاید دلیل خاصی وجود داشت که چرا متی احساس کرد که نوشتن این انجیل ضروری است؟ من چند پیشنهاد در مورد آن پس از بررسی برخی از جزئیات ارائه خواهم داد. اما اول از همه، به اولین آیه متی نگاه کنید، زیرا در واقع چیزهای زیادی در مورد آنچه او قصد انجام آن را دارد و اینکه چگونه تمایل دارد به داستان کامل پاسخ دهد، به ما می گوید.

داستانی را که مردم برای خود تعریف می کردند به خاطر بسپارید، اسرائیل هنوز به دلیل گناه در تبعید است، اما خدا روزی مداخله خواهد کرد تا جهان را اصلاح کند، عمدتاً با نجات قوم خود اسرائیل، عمل به وعده هایش به ابراهیم، به داوود، تمام وعده های پیمان او با اسرائیل، که خدا همه چیز را اصلاح خواهد کرد، و از طریق آن، در نهایت خدا تمام جهان را نجات خواهد داد. حال متی چگونه به این سوال پاسخ می دهد؟ با فصل 1 و آیه 1 شروع می شود، گزارشی از شجره نامه عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم. این مقدمه حداقل به دو دلیل مهم است.

شماره یک این است که متیو معرفی می کند که بیوگرافی یونانی-رومی او در مورد چه چیزی خواهد بود. این در مورد عیسی مسیح، مسیح موعود خواهد بود. اصطلاح مسیح، همانطور که می دانید، اصطلاح مسیح به وعده ای برمی گردد که خدا به داوود داده بود.

خدا به داوود وعده داد که پادشاهی وجود خواهد داشت که بر تخت سلطنت بنشیند و بر اسرائیل حکومت کند، پسر داوود که خواهد آمد، و در عهد عتیق، در دوم سموئیل، خدا وعده داد که پادشاهی داوود پایانی نخواهد داشت. همیشه کسی بر تخت نشسته بود و پیامبران، اشعیا، ارمیا و حزقیال این موضوع را انتخاب کردند. آنها زمانی را درک کردند که خدا برای نجات قوم خود باز خواهد گشت، و این شامل پسری از نسل داوود بود که بر تخت نشسته بود.

اکنون با متی که می گوید این کتابی درباره مسیح است، او بلافاصله کتاب خود را با وعده های عهد عتیق در مورد پادشاه مسیح موعود که اکنون بر اسرائیل حکومت می کند، مرتبط می کند. حالا مشکلی که باید کمی بعدا به آن نگاه کنیم، مشکل این است که چگونه ممکن است؟ چگونه ممکن است با سزار بر تخت سلطنت باشد؟ چگونه ممکن است وقتی رم مسئول همه چیز است؟ چگونه عیسی، این عیسی ناصری، چگونه می تواند این مسیح موعود باشد، این پادشاه مورد انتظار، در تحقق این انتظارات عهد عتیق، در حالی که به نظر می رسد با واقعیت در تضاد هستند؟ زیرا رم کنترل را در دست دارد و سزار بر تخت سلطنت او نشسته است. بنابراین، عیسی مسیح موعود است، پسر داوود، و این به وضوح این شخص، عیسی مسیح، را به وعده های عهد عتیق در مورد پادشاه آینده داوود مرتبط می کند.

دوباره، با دوم سموئیل، وعده ای که خدا به داوود داده بود، شروع می شود که همیشه پسری بر تخت او خواهد نشست و تخت او تا ابد باقی خواهد ماند، در پیامبران. شما متنی را به یاد می آورید که ما در کریسمس نقل می کنیم، پسری متولد خواهد شد، نام او خدای قدرتمند، مشاور فوق العاده و غیره خواهد بود، اما ادامه می یابد و می گوید که او بر تخت داوود خواهد نشست و تا ابد بر عدالت بر ملت ها حکومت خواهد کرد. بنابراین، پیامبران روزی را پیش بینی می کردند که وعده های خدا، که سرانجام پادشاهی در نسل داوود ظهور خواهد کرد، و اکنون نویسنده متی به وضوح نشان می دهد که این عیسی اکنون پاسخ آن سؤال یا تحقق آن وعده ها است.

اما چیزهای بیشتری وجود دارد، نه تنها او پسر داوود است، در تحقق وعده های عهد عتیق پادشاه داوود، بلکه او پسر ابراهیم نیز هست. حالا چرا این مهم است؟ چرا پسر موسی یا پسر اسحاق یا پسر دانیال یا پسر اشعیا یا ارمیا نه؟ شخصیت های مهم دیگری نیز در عهد عتیق وجود دارد. چرا ابراهیم؟ متی قصد دارد با گفتن اینکه عیسی پسر ابراهیم است چه چیزی را نشان دهد؟ خوب که چی؟ یا چرا نوح نه؟ یا آدام، که می توانست تمام راه را به ابتدا برگرداند.

چرا ابراهیم؟ ما در عهد عتیق چه چیزی در مورد ابراهیم می دانیم که ممکن است به ما کمک کند تا بفهمیم چرا متی می خواهد عیسی را به عنوان پسر ابراهیم معرفی کند؟ خدا با ابراهیم پیمان بسته بود، و آن عهد برای چه بود؟ دقیقا حق با شماست. او ملتی بزرگ خواهد بود، ابراهیم متبارک خواهد شد، و ملتی بزرگ از او بیرون می آمد، و حق با شماست، فرزندان از ستارگان آسمان و شن های دریاها بیشتر خواهند بود. به عبارت دیگر، قوم اسرائیل از این یک شخص، ابراهیم بیرون می آید.

اما چیزهای بیشتری وجود دارد. چه چیز دیگری علاوه بر آن؟ من فکر می کنم گسترش در جهان به معنای یک ملت بزرگ خدا بودن است که خود عیسی قرار بود آن را در جهان گسترش دهد تا به نوعی ملت را اصلاح کند. بسیار خوب، بنابراین در نهایت، شما دقیقا درست می گوید، تمام ملت های زمین از طریق ابراهیم برکت می یابند.

بنابراین، ابراهیم در پیدایش 12 وعده داده شده است، همانطور که اشاره کردید، عهد ابراهیم از اینجا آغاز می شود. در فصل 12، خدا وعده می دهد که ابراهیم او را به یک ملت بزرگ و نامی بزرگ تبدیل خواهد کرد، اما در نهایت، تمام ملت های زمین از طریق او برکت خواهند یافت. بنابراین، با نامیدن عیسی به عنوان پسر ابراهیم، نه تنها عیسی پاسخ به نجات یهودیان است، بلکه داستان ما را به یاد بیاورید که یهودیان هنوز در تبعید هستند و منتظر زمانی هستند که خدا برای اصلاح اوضاع و نجات مردم مداخله کند.

عیسی مسیح نه تنها به این سوال پاسخ خواهد داد و راه حلی برای مشکل گناه و تبعید یهودیان خواهد بود، بلکه اکنون با پیوند دادن عیسی به ابراهیم، عیسی وسیله ای خواهد بود که از طریق آن نجات به کل جهان گسترش خواهد یافت. اگر متی فقط می گفت که عیسی پسر داوود است، به راحتی می توان آن را درک کرد، خوب، این مسیح یهودی است که آمده است تا قوم خود اسرائیل را نجات دهد. اما با پیوند دادن او به ابراهیم، عیسی اکنون کسی است که نه تنها اسرائیل را نجات خواهد داد، بلکه تمام ملت های زمین را نجات خواهد داد، غیریهودیان نیز.

و یکی از چیزهایی که ما به سرعت در مورد متی خواهیم دید این است که متی بیش از هر یک از انجیل های دیگر به طور مداوم عیسی را به عنوان غیریهودیان نجات دهنده به تصویر می کشد، نه فقط حوزه انتخابیه یهودیان. بنابراین، اولین آیه برای درک بقیه روایت مهم است، که متی قصد دارد عیسی را به عنوان پسر داوود، پادشاه به تصویر بکشد، نه فقط برای اسرائیل، نه فقط برای تحقق وعده هایی که به اسرائیل داده است، بلکه در تحقق وعده هایی که به ابراهیم داده شده است که نجات در نهایت به اقصای نقاط جهان خواهد رسید. به تمام ملت های زمین. بنابراین، عیسی نه تنها برای یهودیان، بلکه برای غیریهودیان نیز مسیح موعود است.

اکنون شجره نامه ای که در ادامه می آید، به یاد داشته باشید که آیه 1 شرح شجره نامه را آغاز می کند. حالا اگر شما هم مثل من هستید، طبیعتاً می خواهید از آن بگذرید و بفهمید که روایت واقعی از کجا شروع می شود. اما این شجره نامه به دلایل متعددی از اهمیت بالایی برخوردار بود، در درجه اول به این دلیل که نشان می داد عیسی از نظر قانونی حق نشستن بر تخت داوود را دارد.

تلاش های شجره نامه، کارکرد اصلی آن این است که نشان دهد عیسی حق قانونی دارد که به عنوان پسر قانونی خوانده یوسف که از نظر بیولوژیکی از نوادگان داوود بود، بر تخت داوود بنشیند. بنابراین، عیسی، اگرچه از نظر جسمی نیست، همانطور که در متی 1 و 2 خواهیم دید، عیسی از نظر جسمی پسر یوسف نبود. مریم جدا از روابط عادی با یوسف باردار می شود.

عیسی از نظر جسمی و بیولوژیکی پسر یوسف نیست، اما از نظر قانونی وقتی یوسف او را نامگذاری می کند، پسر یوسف است. و بنابراین از نظر قانونی، عیسی حق دارد به عنوان پسر داوود، در نسل داوود، بر تخت داوود بنشیند. و بنابراین، این شجره نامه از اهمیت بالایی برخوردار است.

حتی به روشی که ساختار یافته است، شجره نامه به سه بخش 14 نسل تقسیم شده است. اکنون ممکن است برای ما مهم به نظر نرسد، اما همانطور که من می فهمم، عدد 14 در واقع تعداد حروف عبری برای نام داوود است. بنابراین دوباره، متی بسیار هنرمندانه در حال ساختن موردی برای نشان دادن عیسی پادشاه مسیح موعود واقعی، پسر داوود است.

اما نه فقط برای یهودیان، بلکه از طریق ابراهیم، او برای غیریهودیان نیز مسیح موعود است. بنابراین، شجره نامه در تثبیت حق عیسی برای نشستن بر تخت داوود بسیار مهم است. همانطور که گفتم، یکی از بارزترین ویژگی های متی، تأکید بر غیریهودیان است.

ما فقط در یک لحظه آن را خواهیم دید. اما منظورم این است که تعدادی از جاها وجود دارد که متی ارجاعاتی به غریبه‌ودیان در پاسخ به عیسی را شامل می‌کند که در انجیل‌های دیگر نمی‌یابید. و ما به چند مورد از این سوالات نگاه خواهیم کرد.

بله، این ممکن است یک لیست کوتاه باشد. چیزی وجود ندارد که فکر کنیم، می‌دانید، متیو باید تک تک آخرین افراد را در بر می‌گرفت. او ممکن است عمداً به این شکل ساختار داده باشد تا بر سه عدد، سه عدد 14، دوباره، تأکید بر دیوید را نشان دهد.

به ذکر تبعید در شجره نامه نیز توجه کنید. بنابراین، عیسی آمده است تا به تبعید پایان دهد. تمام داستان‌هایی که اسرائیل برای خود تعریف می‌کرد اکنون به تحقق و نتیجه خود می‌رسد.

به عنوان مثال، ما به یک مثال خاص از نحوه واکنش غریبه‌ودیان به عیسی مسیح در متی به گونه‌ای نگاه می‌کنیم که در هیچ جای دیگری نخواهید یافت. اما این داستان نسبتاً جالبی است. در فصل متی، فکر می‌کنم فصل 8 است که می‌خواهم.

در متی فصل 8 یا در اینجا فصل 8 است، یک استعاره بسیار رایج یهودی از آنچه اتفاق می‌افتد وقتی خدا آمد و قومش را احیا کرد و قومش را نجات داد، ضیافت بود. به این معنا که تصور خوردن یک وعده غذایی یا ضیافت استعاره‌ای رایج از آنچه اتفاق می‌افتد زمانی که خدا از قومش بازدید می‌کند، آنها را احیا می‌کند و نجات را فراهم می‌کند، اتفاق می‌افتد. و در یکی از آموزه‌های عیسی توجه کنید، توجه کنید که او با این تصویر ضیافت چه می‌کند.

او می‌گوید، وقتی عیسی او را شنید، شگفت زده شد و به کسانی که دنبال می‌کنند گفت، پس این چیزی است که عیسی می‌گوید، به راستی به شما می‌گویم، در هیچ در اسرائیل چنین ایمانی پیدا نکرده‌ام. من به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در ملکوت آسمان غذا خواهند خورد. اکنون این ایده که از شرق و غرب آمده است، اساساً عیسی می‌گوید که نه تنها یهودیان، بلکه غریبه‌ودیان با ابراهیم، اسحاق و یعقوب بر سر میز خواهند نشست.

این برای یک یهودی در قرن اول غیرقابل تصور بود. این ضیافت، این ضیافت در آینده نماینده خدا که قومش را احیا می‌کند، غیرقابل تصور بود که دیگری به جز یهودیان با ابراهیم، اسحاق و یعقوب سر میز بنشینند. اکنون عیسی زمانی را تصور می‌کند که غریبه‌ودیان، مردم شرق و غرب در سراسر جهان، به این ضیافت خواهند آمد که اکثر یهودیان احساس می‌کردند برای آنها محفوظ است.

و اکنون این ضیافت، دوباره به نوعی استعاره‌ای از خدا است که در آینده می‌آید تا قومش را نجات دهد و پادشاهی خود را برپا کند. غیرقابل تصور بود که کسی به جز یهودیان در آن شرکت کند. اما اکنون عیسی غریبه‌ودیان را در کنار ابراهیم، اسحاق و یعقوب پشت میز نشسته است.

باز هم، این چیزی است که در انجیل‌های دیگر نمی‌یابید. چیزی که به نظر می‌رسد متی می‌خواهد بر آن تأکید کند. و این بارها در سراسر انجیل‌ها اتفاق می‌افتد.

متوجه می‌شوید که انجیل متی چگونه به پایان می‌رسد؟ با گفتن عیسی به پایان می‌رسد، تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. از این رو، بروید و شاگردان، نه از همه یهودیان و یا اسرائیلی، اما از همه ملت. تمعید آنها به نام پدر و پسر و روح القدس.

به آنها یاد می‌دهم که هر آنچه را که من دستور می‌دهم انجام دهند. بنابراین، انجیل با فراخوانی برای بشارت دادن به کل ملتها به پایان می‌رسد. یعنی، این پادشاه آینده، این مسیح، این عیسی در نسل داوود قرار است نه تنها برای یهودیان، بلکه برای غریبه‌های نیز نجات و نجات فراهم کند.

بنابراین، انجیل متی با فراخوانی برای موعظه این انجیل به همه ملت‌ها به پایان می‌رسد، نه فقط اسرائیل. اما یکی از جذاب‌ترین نمونه‌های شمول غریبه‌های و همچنین چند چیز دیگر، گزارش فصل 2 از مردان حکیم یا مجوس است که به دیدار عیسی می‌آیند. حالا، ما کمی در رابطه با داستان کریسمس به این موضوع نگاه کردیم، اما دوباره، این ویژگی ای است که هیچ یک از انجیل‌های دیگر ندارند.

فقط متی و لوقا سابقه تولد عیسی را دارند، اما لوقا از شبانان می‌خواهد که بیایند و عیسی را ملاقات کنند، و متی، جالب اینجاست که این کار را نمی‌کند. در عوض، متی از حکیمان یا مجوس می‌خواهد که بیایند و به دیدار عیسی بیایند. لوک چیزی در مورد آنها نمی‌گوید.

حال، این بدان معنا نیست که لوقا در مورد آنها نمی‌دانست یا متی در مورد شبانان نمی‌دانست. حداکثر به این معنی بود که واقعا برای اهداف آنها مرتبط نبود. به یاد داشته باشید، نویسندگان انجیل گزینشی هستند.

آنها گزارش مفصلی از همه چیزهایی که برای عیسی اتفاق افتاد و هر کاری که او انجام داد و گفت به شما نمی‌دهند. آنها فقط شامل اطلاعاتی هستند که هدف آنها را بیان می‌کند. بنابراین، متی شامل داستان مردان حکیم یا مجوس است.

چرا او این کار را کرد؟ اول از همه، مهم است که بفهمیم مجوس چه کسانی بودند. مجوس به عنوان ستاره شناسان شناخته می‌شدند، احتمالا از ایران یا بابل. یعنی آنها ستاره‌ها را مطالعه کردند.

آنها همچنین بدون شک به عهد عتیق دسترسی داشتند. و در ارتباط با آن، پس، دوباره، توضیحاتی وجود دارد که چگونه می‌توانیم ستاره را درک کنیم. شاید در مقطعی بتوانیم در مورد آن صحبت کنیم.

اما تاکید من اکنون این است که روی آنچه داستان انجام می‌دهد تمرکز کنم. بنابراین، مجوس از این ستاره پیروی می‌کنند، این ستاره شناسان، و آنها به بیت لحم می‌آیند و عیسی را می‌پرستند. آنچه در این مورد قابل توجه است، در درجه اول، این مجوس است، نه تنها ستاره شناس هستند، بلکه خارجی هستند. آنها غریبه‌های هستند.

و تقریبا می‌توانید دسیسه یا کمدی را در روایت ببینید. وقتی این واقعیت را می‌خوانید که اولین نقطه توقف مجوس شهر اورشلیم بود. و چیزی که شما نمی‌دانید این است که بیت لحم اساسا درست از در پشتی اورشلیم بود.

شهر نسبتا بی‌اهمیتی بود. و این جذاب است. من فکر می‌کنم کمدی عمدی در این است که این ستاره شناسان بابلی مسیری طولانی و در مدت زمان طولانی را طی می‌کنند تا به بیت لحم برسند.

با این حال، جالب است که هیروдіس و سایر مردم اورشلیم حتی از در پشتی خود بیرون نمی‌روند و مسافت کوتاهی را تا بیت لحم نمی‌روند. در عوض، هیروдіس به طرز جالبی به خردمندان می‌گوید: بروید این کودک را پیدا کنید و وقتی او را پیدا کردید، به من گزارش دهید. چرا خود هیروдіس نتوانست برود؟ بیت لحم فقط بیرون از در پشتی است.

با این حال، این بیگانگان، غریبه‌ودیان، مسافت قابل توجهی را طی مدت زمان قابل توجهی طی می کنند تا به دیدار عیسی بایند. هنگامی که باز هم کسانی که بهتر می دانستند، رهبران یهودی و هیرودیس حتی به خود زحمت ندادند که مسافت کوتاهی را به بیت لحم بروند تا عیسی را پرستش کنند. بنابراین، دوباره، متی شروع می کند.

متی فصل 2 با داستان غریبه‌ودیان به جای یهودیان و غریبه‌ودیان که می آیند و عیسی را پرستش می کنند، آغاز می شود. با این حال، چیزهای بیشتری در این داستان اتفاق می افتد. و در واقع، من می خواهم فصل های 3 و 4 را نیز در یک لحظه اضافه کنم.

اما، در این داستان چیزهای بیشتری در مورد مردان حکیم وجود دارد که به دیدار عیسی می آیند. اما، همچنین، آنچه بلافاصله پس از آن اتفاق می افتد... به یاد داشته باشید، درست پس از ثبت تولد عیسی، متی، مانند سایر نویسندگان، مستقیماً به خدمت بزرگسالان عیسی می پرد. او چیزی درباره آنچه بین عیسی اتفاق افتاد به ما نمی گوید... عیسی احتمالاً بین 1 تا 2 سال سن دارد یا متی 2. اما، در فصل بعدی، عیسی یک بزرگسال است.

بنابراین، نویسندگان انجیل، دوباره، آنها سعی نمی کنند بیوگرافی مفصلی از همه کارهایی که عیسی انجام داد و گفت به ما بدهند، بلکه گزینشی هستند. حالا بعد چه اتفاقی می افتد؟ جالب اینجاست که عیسی... بعد از عیسی... پس از تولد او در بیت لحم، یک رویداد جالب را به یاد خواهید آورد زیرا هیرودیس ... ما برمی گردیم و در مورد او صحبت می کنیم. از آنجا که هیرودیس سعی می کند عیسی و همه بچه های دیگر را در بیت لحم بکشد، والدین عیسی به مصر فرار می کنند و در نهایت برمی گردند.

و سپس، چیز بعدی که می دانیم، عیسی به خدمت بزرگسالان خود می پرد. و اولین چیزی که اتفاق می افتد این است که عیسی در رود اردن تعمید می گیرد و سپس، رویداد بعدی، این است که او به بیابان می رود تا وسوسه شود. بنابراین، عیسی متولد شد.

او از هیرودیس فرار می کند. او به مصر می رود. او برای جاننش می دود.

او در مصر حفظ شده است. او از مصر بیرون می آید. سپس، او خدمت بزرگسالان خود را آغاز می کند.

او در رود اردن تعمید می گیرد. و سپس، او به بیابان می رود تا وسوسه شود. حالا، ما از همه اینها چه بسازیم؟ باز هم، متی چه کار می کند؟ اول از همه، من در فصل 2 متقاعد شده ام، و این در پس زمینه عهد عتیق، فصل 2 تا فصل 4، عیسی به عنوان اسرائیل جدید معرفی می شود.

حال، آنچه در فصل 4 جالب است، در تعمید و وسوسه عیسی، به شباهت توجه کنید. چه اتفاقی افتاد؟ جالب اینجاست که یک داستان تکراری وجود دارد که از عهد عتیق به عهد جدید می گذرد. این با آدم و حوا شروع می شود که وسوسه شدند و تسلیم وسوسه شدند و در بهشت گناه کردند و از باغ عدن تبعید شدند.

اکنون، عیسی مسیح ملت اسرائیل را انتخاب می کند. این به وعده ای می رسد که خدا به ابراهیم داده است. او قول خود را می دهد، پیمان با ابراهیم، که او را به ملتی بزرگ تبدیل خواهد کرد.

و این ملت اسرائیل است. بنابراین، خدا قوم اسرائیل را انتخاب می کند. او مانند آدم، آدم را به عنوان قوم خود انتخاب می کند، آدم را خلق می کند تا قوم خود باشد و با آنها رابطه برقرار می کند.

اسرائیل نیز مانند آدم قوم خداست. آنها وسوسه می شوند، گناه می کنند و همچنین از سرزمین خود تبعید می شوند. بنابراین، این به نوعی ضربه دوم است.

اگر آدم نتوانست شخصی باشد که خدا در نظر داشت و قصد خود را برآورده کند، پس خدا اسرائیل را انتخاب کرد تا قصد خلقتش را که آدم و حوا نتوانستند انجام دهند، برآورده کند. اما اسرائیل بهتر از این عمل نکرد. آنها گناه کردند و آنها نیز تبعید شدند.

بنابراین اکنون، عیسی می آید. در وسوسه چه می گذرد؟ در متی فصل 4، زمانی که عیسی توسط شیطان وسوسه می شود. اساساً، جایی که آدم و اسرائیل شکست خوردند، اکنون عیسی وسوسه شده است، اما او در آزمون قبول می شود.

او گناه نمی کند و تسلیم نمی شود، اما در آزمون قبول می شود. و بنابراین، او کسی است که قادر است اسرائیل را بیاورد، او قادر است نجات را برای اسرائیل به ارمغان بیاورد و نجات را برای همه ملت ها به ارمغان بیاورد. چرا؟ زیرا او کسی است که بشریت را به سرنوشت واقعی خود می رساند.

او کسی است که بشریت را به این نیت می رساند که خدا آن را برای تمام راه در پیدایش فصل 1 آفریده است. بنابراین، با ثبت وسوسه عیسی، این فقط یک داستان خوب نیست که چگونه عیسی گناه نکرد و چگونه عیسی در برابر وسوسه مقاومت کرد و ما نیز باید چنین کنیم، بلکه داستانی است که چگونه... دوباره، به این واقعیت فکر کنید که متی، انجیل متی، پایان داستانی است که در عهد عتیق آغاز شده است. عیسی، چرخه ای که با وسوسه شدن آدم و گناه و تبعید آغاز می شود، وسوسه اسرائیل و گناه و تبعید، عیسی با وسوسه شدن مانند آدم و اسرائیل این چرخه را می شکند، اما برخلاف آنها، تسلیم نمی شود. بنابراین، عیسی شایسته است که پسر واقعی باشد.

آدم نبود، اسرائیل آن را منفجر کرد، اما عیسی شایسته است که پسر واقعی خدا باشد و نجات اسرائیل و تمام ملت های زمین را فراهم کند. بنابراین، اولین عنصر داستان عهد عتیق این است که عیسی به عنوان اسرائیل جدید به تصویر کشیده می شود. او سرنوشت اسرائیل را به انجام می رساند.

اسرائیل قرار بود نوری برای همه ملت ها باشد. از طریق اسرائیل، پیدایش 12 بود که برکت به همه ملت ها می رسید، اما آنها شکست خوردند، گناه کردند. اکنون، عیسی مسیح به عنوان اسرائیل واقعی می آید، و او در آزمون قبول می شود، و از طریق او است که اکنون برکت خواهد آمد، نجات به همه ملت ها خواهد آمد.

به همین دلیل است که متی با فراخوانی برای شاگرد ساختن همه ملت ها به پایان می رسد. چرا؟ زیرا عیسی آنچه را که اسرائیل و آدم قرار بود انجام دهند به انجام رساند، اما آنها به دلیل گناه این کار را نکردند. بنابراین، بخش اول داستان عهد عتیق که متی به انجام می رساند این است که عیسی اسرائیل جدید است.

او سرنوشت اسرائیل را به انجام می رساند. آنچه اسرائیل قرار بود انجام دهد تا نوری برای همه ملت ها باشد، اکنون عیسی انجام می دهد. دوم، عیسی به عنوان یک موسی جدید به تصویر کشیده شده است.

حالا، شما باید یک خواننده بسیار بی توجه باشید تا متی 2 را بخوانید و ببینید که چه خبر است. چگونه عیسی به عنوان موسی جدید در متی 2 معرفی می شود؟ باز هم، او هرگز بیرون نمی آید و او را موسی صدا نمی کند، اما آنچه در متی 2 شما را به این فکر می اندازد که متی می خواهد... باز هم، اینها همه موضوعات هستند. گویی متی همه این رشته ها را از عهد عتیق جمع آوری می کند، همه این داستان ها را جمع آوری می کند، آنها را به هم می بافت و نشان می دهد که چگونه در عیسی مسیح به اوج خود می رسند.

بنابراین، عیسی اسرائیل جدید است، اما اکنون متی می خواهد بگوید که او موسی جدید نیز هست. او همچنین آنچه موسی پیش بینی می کرد و برای مردم به ارمغان می آورد را برآورده می کند و ایده آل آن است. عیسی با نجات مردم از مصر و نجات مردم از مصر، اکنون کاری بزرگتر از موسی انجام می دهد.

او یک موسی جدید و بزرگتر است. متی چگونه این کار را در متی 2 انجام می دهد؟ بله، خیلی خوب. توجه کنید که عیسی به مصر می رود و سپس متی آن متن را نقل می کند.

این برای تحقق آنچه در پیامبر گفته شد، انجام شد، من از مصر پسر را خواندم. که در متن عهد عتیق، این نقل قولی از هوشع، هوشع نبی است. در این زمینه، به خدا اشاره دارد که اسرائیل را نجات می دهد.

اسرائیل پسر خدا بود. کتاب خروج را بخوانید. خدا اسرائیل را پسر خود می نامد.

بنابراین، در اصل آن متن به نجات خدا اشاره داشت و مصر را پسر خود از اسرائیل فرا خواند. اکنون، با پسر خواندن عیسی مسیح، عیسی به عنوان نوعی موسی جدید دیده می شود که خروج جدیدی را به ارمغان می آورد. چه چیز دیگری در این داستان شما را به این فکر می اندازد که چند چیز دیگر وجود دارد، که عیسی به عنوان یکی شبیه اما بزرگتر از موسی به تصویر کشیده می شود؟ خوب، بله.

بله، شما نمی توانید این واقعیت را از دست بدهید که عیسی متولد شده و او از تلاش یک پادشاه خارجی برای کشتن همه بچه های پسر نجات یافته است. به عقب برگردید و کتاب خروج را بخوانید. یک پادشاه خارجی، فرعون، در تلاش برای مقابله با اسرائیل، سعی کرد همه نوزادان پسر را نابود کند.

و بنابراین، این، گویی متی سعی می کند توجه شما را جلب کند و شما را وادار کند که با عهد عتیق ارتباط برقرار کنید. عیسی نیز مانند موسی است. او از تلاش یک پادشاه خارجی برای کشتن او فرار می کند، به طوری که به همان روشی که موسی قوم خود را نجات داد و نجات داد، اکنون عیسی آمده است تا قوم خود را به روشی بزرگتر نجات دهد و نجات دهد.

بنابراین، عیسی به عنوان یک موسی جدید به تصویر کشیده می شود. یکی دیگر وجود دارد، احتمالاً چندین مورد وجود دارد. عیسی همچنین به عنوان نور ملت ها به تصویر کشیده شده است.

یکی از مهم ترین پیامبران عهد عتیق، اشعیا نبی است. و کاری که اشعیا انجام می دهد این است که دوباره به مشکل اسرائیل می پردازد. اسرائیل اکنون در تبعید است.

اشعیا برای رسیدگی به مشکل تبعید اسرائیل نوشته شده است. و اکنون او، اکنون اشعیا به زمانی می پردازد که روزی خدا می آید و قومش را از تبعید نجات می دهد و آنها را احیا می کند. او پادشاهی خود را برپا خواهد کرد.

او خواهد کرد، او خواهد بود، او خلقت جدیدی را به ارمغان خواهد آورد. و بیشتر از آن، خدا نه تنها قوم خود اسرائیل را احیا خواهد کرد، بلکه مردمی را از همه ملت ها برای شرکت در این نجاتی که خدا برای قومش فراهم خواهد کرد، خواهد آورد. بنابراین، اشعیا مهم است زیرا اشعیا زمانی را پیش بینی می کند که غیریهودیان نیز برای عبادت به اورشلیم بیایند.

آنها خواهند آمد تا این نجاتی را که خدا روزی در آینده فراهم خواهد کرد، تجربه کنند. حالا، یک قسمت جالب، و اول از همه، اجازه دهید داستان خردمندان را به شما یادآوری کنم. این مجوس، اول از همه، آنها شخصیت های مهمی هستند.

مقامات بسیار مهم، افراد مهم از یک کشور غریبه‌ی خارجی. و آنها با پیروی از نور ستاره می آیند. آنها به اورشلیم می آیند تا عیسی مسیح را پرستش کنند.

خوب، در نهایت بیت لحم، اما آنها از اورشلیم شروع می کنند. بنابراین دوباره، شما این بزرگان خارجی، این افراد مهم، خارجیها، غریبه‌یوران را دارید که از نور ستاره ای درخشان پیروی می کنند که آنها را به اورشلیم می آورد و در آنجا پادشاه را پرستش می کنند و به او هدایایی از طلا و کندر و مر می دهند. این داستان را در ذهن داشته باشید و به اشعیا فصل 60 گوش دهید.

باز هم، این یک پیشگویی از اشعیا است، کاری که خدا روزی انجام خواهد داد وقتی که نجات را برای قوم خود، اسرائیل، به ارمغان می آورد و آنها را احیا می کند. آنها در تبعید هستند، اما روزی خدا آنها را احیا می کند و نجات را برای قومش و خلقت جدیدی به ارمغان می آورد و پادشاهی خود را برقرار می کند. این فصل 60 اشعیا است اگر بتوانم آن را در اینجا پیدا کنم.

اینجاست. فقط چند بیت می خوانم. برخیزید، بدرخشید، زیرا نور شما آمده است و جلال خداوند بر شما برخاست.

زیرا تاریکی زمین و تاریکی غلیظ مردم را خواهد پوشاند، اما خداوند بر شما طلوع خواهد کرد و جلال او بر شما ظاهر خواهد شد. ملتها، ملتهای غریبه‌یودی، به نور تو خواهند آمد و پادشاهان به روشنائی سپیده دم تو خواهند آمد. چشمان خود را بلند کنید و به اطراف نگاه کنید.

همه دور هم جمع می شوند. آنها به سراغ شما می آیند. پسر شما از دور خواهد آمد.

دختر شما باید در آغوش پرستار حمل شود. سپس خواهی دید و درخشان خواهید شد. قلب شما شاد خواهد شد زیرا فراوانی دریا برای شما آورده خواهد شد و ثروت ملت ها، غریبه‌یودیان، نزد شما خواهد آمد.

بسیاری از شترها شما را خواهند پوشانده است. شترهای جوان مدیان و ایفا و شترهای سبا خواهند آمد. این پادشاهان خارجی، طلا و کندر بیاورند و ستایش خداوند را اعلام خواهند کرد.

پس همین کافی است. بنابراین، در فصل 2 متی چه می گذرد؟ با این پادشاهان است، من از کلمه پادشاهان استفاده می کنم. آنها از نظر فنی پادشاه نیستند، اما شخصیت های برجسته ای هستند.

با این پادشاهان، بیگانگان، به دنبال این نور طلوع ستاره و آمدن به اورشلیم و دادن هدایایی از طلا و کندر و پرستش عیسی، اساساً آنچه متی می گوید، این وعده احیای اشعیا 60 در حال حاضر در شخص عیسی مسیح در حال تحقق است. بنابراین، پادشاهی در حال انجام است. تمام وعده های عهد عتیق اکنون در حال تحقق هستند.

این وعده زمانی است که خدا، که توسط اشعیا وعده داده شده بود، زمانی که خدا مداخله می کند و قومش را نجات می دهد و برای آنها نجات می آورد، خلقت جدیدی می آورد، پادشاهی خود را برپا می کند، که قبلاً فرا رسیده است، و این با این واقعیت نشان داده می شود که شما این شخصیت های خارجی، غریبه‌یودیان، را دارید که با نور ستاره سفر می کنند و برای پرستش در اورشلیم می آیند و هدایای ثروتمند طلا و کندر را می دهند. بنابراین اساساً، این نوعی اشعیا 60 است که در تولد عیسی مسیح بازگو می شود و اجرا می شود و محقق می شود. بنابراین دوباره، این فقط یک داستان خوب کریسمس نیست، بلکه به این معنی است که شما را به عهد عتیق برگرداند و به شما بفهماند که داستان متی ادامه داستان عهد عتیق است.

نه تنها داستان اسرائیل و داستان موسی، بلکه داستان اشعیا نبی در مورد زمانی که خدا قوم خود را احیا خواهد کرد. بنابراین، آیا می بینید که متیو چه می کند؟ او اگرچه رویدادهای واقعی را ضبط می کند، اما آن را به گونه ای می سازد که تصویر را از دست ندهید. آنچه در مورد این مردان خردمند می گذرد چیزی نیست که صحنه تولد مسیح خوبی ایجاد کند، اما به معنای یادآوری فصل 60 اشعیا است.

در اینجا تحقق اشعیا 60 فرا می رسد. خدا اکنون در این نوزاد در آخور عمل می کند. خدا اکنون در حال انجام است تا احیای موعود را که از طریق اشعیا پیشگویی کرده بود، به ارمغان بیاورد.

زمانی که ملت ها می آمدند و پرستش می کردند و در پاسخ به نور طلوع نجات خدا هدایایی می آوردند. بنابراین، متی در اینجا می گوید که در این داستان تولد عیسی مسیح است. موضوعات دیگری وجود دارد که می توانیم در فصل 2 آنها را کشف کنیم که دوباره نشان می دهد که متی، گویی او همه این رشته ها را از عهد عتیق گرفته و همه آنها را جمع آوری کرده است تا نشان دهد که چگونه اوج خود را در شخص عیسی مسیح پیدا می کنند.

شما واقعا نمی توانید داستان متی را بخوانید مگر اینکه یک گوش با عهد عتیق هماهنگ داشته باشید. شما باید همزمان به هر دو گوش دهید. از آنجا که متی فقط یک داستان متمایز را تعریف نمی کند، او ادامه داستانی را روایت می کند که فرض می کند شما از عهد عتیق می دانید.

بسیار خوب، آیا سؤال دیگری در مورد روایت تولد، به ویژه فصل های 2-4 و کارکرد آن وجود دارد؟ بسیار خوب، بیایید به سراغ آن برویم، به طور خلاصه شروع به صحبت در مورد اولین بلوک اصلی آموزش در متی می کنیم. من قصد ندارم در مورد همه آنها صحبت کنم، ما فقط به چند مورد از آنها می پردازیم. اما اولین موعظه معروف روی کوه در فصل های 5-7 است.

اولین چیزی که باید در مورد موعظه روی کوه بدانید این است که کمی در مورد زمینه آن بدانید. شما نمی توانید فقط در فصل 5 و آیه 1 شروع به خواندن کنید. در عوض، شما باید به طور گسترده تری درک کنید که چه اتفاقی در حال رخ دادن است و اساسا در فصل 2 در مورد چه چیزی صحبت کردیم. ملکوت دگرگون کننده خدا اکنون فرا رسیده است. ملکوتی که اشعیا وعده داده بود، نجاتی که خدا وعده داده است، اکنون به شخص عیسی مسیح رسیده است.

پس این زمینه پادشاهی یا موعظه روی کوه است. شما باید بدانید که موعظه روی کوه در پاسخ به این واقعیت آموزش داده می شود که عیسی مسیح قبلا این پادشاهی مورد انتظار را به ارمغان آورده است. این پادشاهی قدرتمند و همه جانبه اکنون فرا رسیده است و اکنون، با توجه به آن، عیسی شروع به تعلیم در متی 5-7 می کند.

این تفاوت بزرگی در نحوه درک شما از موعظه روی کوه ایجاد می کند. این فقط یک خطابه متنی نیست که کسی تازه شروع به موعظه کردن از بالای سرش کرده باشد. اما عیسی فرض می کند و متی فرض می کند که هر آنچه تا فصل 5 اتفاق افتاده است برای درک فصل 5-7 ضروری است.

به این معنا که عیسی اکنون در تحقق عهد عتیق نجات را به ارمغان آورده است. او اکنون برای رستگاری و نجات مردمش اقدام کرده است. ملکوت قدرتمند فراگیر و همه جانبه اکنون در شخص عیسی مسیح حاضر و فعال است.

و اکنون، با توجه به آن، عیسی شروع می کند، متی اولین بخش تعلیم خود را در متی 5-7، موعظه روی کوه آغاز می کند. حال، چگونه باید موعظه روی کوه را درک کنیم؟ اول از همه، معنای آن برای درک آن این است

که موعظه متی بر روی کوه، در متی 5-7، در درجه اول به عنوان برنامه ای برای دگرگونی جامعه نیست، و نه متی در درجه اول... یک روش بسیار رایج با متی این است که هدف اصلی موعظه روی کوه این است که وقتی آن را می خوانید، فقط با ناامیدی واکنش نشان دهید. و شما می گوید، هیچ راهی وجود ندارد که من هرگز بتوانم این را نگه دارم.

هیچ راهی وجود ندارد که کسی بتواند این کار را انجام دهد. و هدف از خطابه این است که شما را به ایمان به مسیح و اعتماد به عیسی برای نجات سوق دهد. بنابراین، این به نوعی مانند قرار دادن یک معیار است و می بینید که شما اندازه گیری نمی کنید.

و بنابراین، تنها گزینه این است که شما را به سمت عیسی ببریم. و با اعتماد به عیسی برای نجات شما، متوجه می شوید که موعظه برای نشان دادن این است که من خودم نمی توانم این کار را انجام دهم. من نمی توانم به اندازه کافی خوب زندگی کنم که شایسته نجات خدا باشد.

بنابراین، موعظه به سادگی وجود دارد تا نشان دهد که شما اندازه گیری نمی کنید و کوتاهی می کنید، و امیدوارم که شما را برگرداند و شما را وادار کند که به فیض عیسی تکیه کنید و به ایمان به تدارک مسیح برای نجات اعتماد کنید. با این حال، آنچه که زمینه نشان می دهد این است که در واقع موعظه روی کوه برای نشان دادن نحوه زندگی قوم خدا است. کسانی که وارد ملکوت خدا شده اند، کسانی که کار قدرتمند و دگرگون کننده ملکوت خداوند را تجربه کرده اند، اکنون این نوع زندگی است که باید زندگی کنند.

بنابراین، من فکر می کنم که موعظه روی کوه فقط یک اخلاق برای همه جامعه نیست. این فقط برای کسانی است که وارد ملکوت خدا شده اند و با عیسی مسیح رابطه برقرار کرده اند. همچنین به عنوان یک چوب اندازه گیری نیست که به ما نشان دهد که کوتاهی می کنیم و شکست می خوریم.

نه، این به عنوان یک اخلاق، به عنوان یک آموزه، به عنوان راهنمایی برای چگونگی زندگی قوم خدا است که وارد ملکوت او شده اند، که قدرت دگرگون کننده ملکوت خدا را تجربه کرده اند، اینگونه باید زندگی کنند. بنابراین، من فکر می کنم اینگونه است که ما باید قبل از هر چیز موعظه روی کوه را درک کنیم. این تعلیم برای قوم خدا است که متی و عیسی انتظار دارند که قوم خدا در اطاعت پیروی کنند، زیرا آنها دگرگونی ملکوت خدا را تجربه کرده اند.

آنها وارد ملکوت خدا شده اند. آنها سلطنت و حکومت خدا را در زندگی خود تجربه کرده اند. اکنون موعظه روی کوه در متی 5-7 توضیح می دهد که آنها چگونه باید به آن واکنش نشان دهند و چگونه باید با توجه به آن زندگی کنند.

اکنون خطابه با یک بیانیه بسیار جالب در متی 5-17 آغاز می شود که می گوید، عیسی می گوید، من نیامده ام تا شریعت را لغو کنم، بلکه برای انجام آن آمده ام. و این نوع، به یک معنا، این به نوعی مقدمه ای برای بقیه موعظه است. حالا منظور عیسی از این حرف چیست؟ معمولا، ما آن را به این معنی می گیریم که عیسی برای لغو شریعت نیامده است، بلکه برای حفظ کامل آن آمده است.

یعنی عیسی آمد تا از شریعت اطاعت کند و آن را کاملا نگه دارد. او الگوبرداری از آنچه به نظر می رسید پاسخ دادن به اطاعت کامل از قانون بود. و من در این شک ندارم، اما فکر نمی کنم این چیزی باشد که متی می گوید.

وقتی او می گوید، عیسی نه برای لغو شریعت بلکه برای انجام آن آمده، ما باید کلمه را به همان روشی که متی در داستان کریسمس که در مورد آن صحبت می کردیم به کار برد، درک کنیم. ایده تحقق این است. این بدان

معنا نیست که عیسی آمد تا شریعت را به طور کامل حفظ کند، اگرچه من موافقم که او این کار را انجام داد، اما این چیزی نیست که متی بر آن تأکید می کند.

وقتی متی می گوید عیسی برای تحقق آن آمد، ایده این است که تحقق به این معنی است که عیسی هدف چیزی است که چیزی به آن اشاره کرد. بنابراین، این در مورد شریعت، تعلیم عیسی، آنچه متی می گوید وقتی عیسی می گوید، من نیامده ام تا شریعت را لغو کنم، بلکه برای انجام آن آمده ام، تعلیم عیسی هدف واقعی است که شریعت به آن اشاره می کرد. تعلیم عیسی هدف واقعی شریعت است.

بنابراین، منظور عیسی این نیست، و نکته متی اینطور نیست، بنابراین ما باید کلمه به کلمه از شریعت موسی اطاعت کنیم، بلکه در عوض، عیسی می گوید که اکنون آموزش من در موعظه روی کوه در واقع قصد واقعی و هدف واقعی شریعت است. از این نظر که تعلیم عیسی هدفی است که شریعت به آن اشاره کرد، می توان گفت که عیسی آن را محقق می کند. حالا، برای پریدن به جلو، در انتهای مژده متی دوباره، به اصطلاح مأموریت بزرگ را به یاد می آورید؟ عیسی به شاگردانش چه می گوید؟ تعمید دادن، رفتن به شاگرد ساختن همه ملتها، تعمید آنها به نام پدر، پسر و روح القدس، و آموزش چه چیزی؟ شریعت موسی؟ شاگردان او چه چیزی هستند که به ملت ها آموزش دهند؟ قانون؟ ده فرمان، قوانین قربانی، تمام قوانینی که در موسی می یابید، متی چه می گوید؟ عیسی آنجاست تا هر چیزی را که عیسی به آنها فرمان داده است آموزش دهد.

به عبارت دیگر، مرکز خدا، ابراز اراده خدا برای قومش، اکنون دیگر شریعت موسی نیست، بلکه اکنون چیزی بزرگتر آمده است، یکی بزرگتر از موسی آمده است، عیسی مسیح. و اکنون مرکز اراده خدا برای قومش دیگر در شریعت موسی یافت نمی شود، بلکه در شخص و تعلیم عیسی مسیح یافت می شود. بنابراین به همین دلیل است که در پایان انجیل، متی می گوید، بروید همه ملت ها را شاگرد کنید و به آنها بیاموزید که هر آنچه را که من به شما فرمان داده ام انجام دهند.

زیرا تعلیم عیسی تحقق و هدف واقعی آن چیزی است که شریعت عهد عتیق به آن اشاره می کرد. بنابراین، موعظه روی کوه باید به عنوان اراده خدا برای قومش دیده شود. برای کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده اند، کسانی که با مسیح رابطه برقرار کرده اند، وارد ملکوت شده اند، و حکومت خدا را در زندگی خود تجربه کرده اند، قدرت دگرگون کننده ملکوت، اینگونه است که باید به آن پاسخ دهند، نه شریعت موسی.

حالا به یاد داشته باشید، می توانید ببینید که چیزی در اینجا اتفاق می افتد. در ابتدای ترم، ما سوالی را مطرح کردیم و آن این بود که اکثر گروه های یهودی این سوال را می پرسیدند که قوم خدا بودن به چه معناست؟ علامت شناسایی قوم خدا چیست؟ اکثر یهودیان با چند چیز پاسخ می دادند، اما یکی از آنها اطاعت از شریعت موسی بود. و حالا عیسی می آید و می گوید، نه، در عوض این اطاعت از من است.

آموزش من همان چیزی است که شریعت موسی واقعا به آن اشاره می کرد. بنابراین، این دیگر قانون موسی نیست. اکنون همه چیز حول محور شخص و تعلیم عیسی مسیح می چرخد.

و این چیزی است که موعظه روی کوه در مورد آن است. این نمونه ای از تعلیم عیسی و معنای زندگی به عنوان قوم خدا است که وارد این ملکوت شده اند، کسانی که این پادشاهی مورد انتظار را تجربه کرده اند، در عهد عتیق وعده داده شده و اکنون در شخص مسیح محقق شده اند. روز چهارشنبه به چند جزئیات دیگر از موعظه روی کوه نگاه خواهیم کرد.

این دکتر دیوید متیوسون است که تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۷، مقدمه ای بر متی را ارائه می دهد.